

رئیس انجمن علمی مدیریت بحران در گفت‌وگو با ایسکانیوز:

## آموزش عالی در ایران بیش از آن که مدیریت محور باشد، فن محور است / نگاه جامع و علمی به حوادث و بحران‌ها هنوز در ارکان کشور شکل نگرفته است

رئیس انجمن علمی مدیریت بحران ایران گفت: اساساً نگاه جامع و علمی به حوادث و بحران‌ها هنوز در ارکان کشور شکل نگرفته است، اگرچه سیاست‌های کلی نظام در این باره ابلاغ شده؛ اما این سیاست‌ها در دولت و مجلس کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

به گزارش خبرنگار گروه دانشگاه ایسکانیوز، کرونا بحرانی تازه برای مدیران ایرانی تلقی می‌شود؛ بحرانی که شبیه به هیچ بحران دیگری حداقل در دهه‌های اخیر نیست. کشورمان در دهه ۹۰ بلایای طبیعی مختلفی مانند زلزله و سیل در ابعاد گسترده را تجربه کرد و آلودگی هوای پایتخت نیز در سال جاری به حدی افزایش یافت که تهران را در جایگاه دومین شهر آلوده جهان قرار داد.

هرچند اقداماتی هرچند ناکافی برای رسیدگی به وضع آسیب‌دیدگان سیل و زلزله صورت گرفته؛ اما همچنان مدیریت بحران واژه‌ای غریب برای مسئولان ایرانی محسوب می‌شود؛ چراکه به‌ندرت پیش از وقوع بحران، تمهیدات لازم اندیشیده شده و جامعه برای رویارویی با شرایط اضطراری آماده می‌شود.

شیوع ویروس کرونا، یکی از بحران‌هایی بود که نشان داد مدیران ایرانی نیز مانند مردم از وقوع بحران، غافلگیر می‌شوند و بعد از مواجهه با چالش، به فکر کنترل اوضاع می‌افتند. پیش‌تر نیز برخی مدیران برای حل بحران آلودگی هوای تهران، دعا برای بارش باران را تنها راه چاره می‌دانستند! شیوع کرونا با سرعتی خیره‌کننده و اعلام وضعیت بحرانی در چندین استان کشور، بار دیگر ضرورت نگاه علمی به مقوله مدیریت بحران را به یاد آورد تا شاید برای بحران‌های بعدی بتوان مدیرانی آشنا به علم مدیریت بحران تربیت کرد.

غلامرضا پورحیدری، رئیس انجمن علمی مدیریت بحران ایران در گفت‌وگو با ایسکانیوز، تأکید کرد حوادث و بحران‌ها به‌عنوان موضوعی دائمی و همیشگی در نظر گرفته نشده‌اند، در حالی که یک‌سوم موضوعات هر جامعه را تشکیل می‌دهند. حاصل گفت‌وگو با رئیس انجمن علمی مدیریت بحران ایران را در ادامه می‌خوانید:

\* چگونه با موضوع مدیریت بحران آشنا شدید و با چه هدفی، انجمن علمی مدیریت بحران ایران را تأسیس کردید؟

من دانشیار گروه فارماکولوژی و سم‌شناسی دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج) هستم. ابتدا به‌تناسب رشته و مأموریت سازمانی از سال ۱۳۷۷ در پژوهشکده طب رزمی مشغول به فعالیت شدم و مطالعه و پژوهش پیرامون مدیریت بحران‌های شیمیایی به‌ویژه مداوای مصدومان شیمیایی جنگ تحمیلی را آغاز کردم. به‌طور همزمان درباره بحران‌های هسته‌ای و بیولوژیک نیز فعالیت داشتم که حاصل این تلاش‌ها به تدوین و انتشار بیش از ۱۰ عنوان کتاب انجامید که عمدتاً منحصر به فرد هستند.

فرستی پیش آمد تا از سال ۱۳۸۶ به مدت چهار سال و نیم معاونت آموزش و پژوهش جمعیت هلال احمر و ریاست مؤسسه آموزش عالی هلال ایران را بر عهده داشته باشم که یکی از فعالیت‌های محوری تهیه منابع علمی مورد نیاز در زمینه مدیریت حوادث و بحران‌های گوناگون از جمله زمین‌لرزه، سیل، آتش‌سوزی، برف و یخبندان به شمار می‌رود. در این مدت قریب به ۸۰ عنوان کتاب با مدیریت بنده به چاپ رسید که حدود ۱۵ عنوان با مشارکت مستقیم خودم تدوین و تألیف شد.

دست‌کم نیمی از این کتابها بسیار ارزشمند و گرانبها هستند و جزو میراث جامعه علمی ایران به حساب می‌آیند. در زمان انجام مأموریت در جمعیت هلال احمر، تأسیس انجمن علمی که بتواند بدون سوگیری و محدودیت‌های بخشی و سازمانی، حقایق مرتبط با امر مدیریت بحران را در کشور بیان کند، ضروری جلوه کرد و اقدامات اولیه برای اخذ مجوز صورت گرفت.

در سال ۱۳۹۰ که انجمن رسماً تأسیس شد، مأموریت بنده در جمعیت هلال احمر نیز به پایان رسید و به همین دلیل فرصت بیشتری برای تمرکز بر امور انجمن به‌دست آمد، سند راهبردی تنظیم و کار بر اساس اهداف پنجگانه آغاز شد. گزیده ای از فعالیت‌های انجمن در دوره اول، در کتابی تحت عنوان سند ماندگار تدوین و به چاپ رسید که منبع ارزشمندی برای علاقه‌مندان به تأسیس و فعالیت در چنین مجموعه‌هایی به شمار می‌رود. در انجمن نیز یکی از محورها، تدوین، تألیف و انتشار کتاب‌ها و منابع مرتبط با مدیریت ریسک حوادث، بلایا و بحران‌ها بوده که حاصل آن قریب به ۲۰ عنوان کتاب است که اکثراً به چاپ رسیده و در اختیار جامعه قرار گرفته است.

از سال ۱۳۹۴ که تعداد کتاب‌های تألیفی بنده به ۳۰ عنوان می‌رسید، تصمیم گرفتم انتشاراتی تأسیس کنم تا صاحب‌اختیار کتب منتشر شده خودم باشم که امروز تأمین‌کننده کتاب‌های جدید، جامع و منحصر به فرد مدیریت ریسک و مدیریت بحران است.

در هر حال انجمن با فراز و فرودها و تشویق‌ها و بی‌مهری‌های گوناگونی همراه بوده است؛ اما آنچه به جرأت می‌توان گفت این است که انجمن علمی مدیریت بحران ایران، مؤثرترین شکل غیر وابسته به دولت بوده که در مورد مدیریت ریسک و مدیریت بحران، فعالیت علمی کرده است. برای مطالعه مشروح این فعالیت‌ها، شما را به کتاب سند ماندگار ارجاع می‌دهم.

آموزش عالی در کشور ما، بیش از آن که مدیریت‌محور باشد، فن‌محور است. به عبارت دیگر، به‌جای اینکه کلان‌نگری مقدمه‌جزنگری باشد، جزنگری محور است و افراد جزنگر و فن‌محور نمی‌توانند کل‌نگر باشند و همه امور را با هم ملاحظه کنند و توان هماهنگ کردن آنها را داشته باشند. در این صورت، کل‌نگری که لازمه مدیریت در هر زمینه‌ای است، نادیده گرفته می‌شود.

\* با توجه به شیوع ویروس کرونا و درگیری کشور با بحرانی جدید، بار دیگر ناکارآمدی مدیران در مواجهه با بحران به چشم آمد، آیا مدیریت بحران علم است یا صرفاً از تجربه بر می‌خیزد؟

علم و تجربه دو روی یک سکه هستند و به هیچ وجه از یکدیگر جدا نیستند. علمی که به عمل درنیامده یا تجربه آن موفق نبوده، علم نیست و تجربه‌ای که بخواید اقدامات و تجارب شخصی را به دانسته‌های علمی ترجیح بدهد، به احتمال زیاد با خطا همراه است. به عبارت دیگر، داشتن مدرک به معنای توانایی اداره امور نیست و سپردن کار به‌دست کسانی که آموزه‌های موجود را کنار می‌گذارند و خود را مخترع هر اقدام مؤثری می‌دانند نیز شایسته و سزاوار نیست.

به‌طور کلی علمی که با باور و عمل همراه باشد، ضرورت هر اقدام موفق است. البته گاهی شخصی، عنوان و مدرک دارد؛ اما اهل کار

نیست و بنابراین، شخصی که اهل کار است و از اهل علم مشورت می‌گیرد، بر او ترجیح دارد. در مجموع باید علم را آموخت و در عرصه عمل به کار گرفت، نواقص را رصد و برای رفع آن چاره‌جویی کرد و این همان چرخه کارآمدی است. مشکل آنجایی است که نه علمی در کار است و نه عملی صورت می‌گیرد؛ وگرنه اگر اراده‌ای برای انجام کاری باشد، علم آن هم به‌دست می‌آید و اگر به حرف باشد؛ وادی سخن، گسترده و بی‌انتهاست.

گسترده‌گی مدیریت بحران را نمی‌توان در یک رشته تحصیلی متمرکز کرد

\* چرا رشته تحصیلی مدیریت بحران به صورت محدود در ایران ارائه می‌شود و تاکنون به صورت جدی مورد توجه قرار نگرفته است؟

پاسخ کامل به این سؤال، آسان نبوده؛ اما یادآوری چند مطلب نیز خالی از لطف نیست؛ نخست اینکه تحصیلات دانشگاهی نه‌تنها متناسب و متوازن با نیازهای کشور نیست؛ بلکه عدم تناسب فارغ‌التحصیلان با نیازها و شرایط کشور، خود بحران‌های اجتماعی متعددی به همراه داشته است که شرح آن در این مجال نمی‌گنجد.

دوم اینکه آموزش عالی در کشور ما، بیش از آن که مدیریت‌محور باشد، فن‌محور است. به عبارت دیگر، به جای اینکه کلان‌نگری مقدمه‌جزننگری باشد، جزننگری محور است و افراد جزنگر و فن‌محور نمی‌توانند کل‌نگر باشند و همه امور را با هم ملاحظه کنند و توان هماهنگ کردن آنها را داشته باشند. در این صورت، کل‌نگری که لازمه مدیریت در هر زمینه‌ای است، نادیده گرفته می‌شود و مدیریت بر عهده کسانی قرار می‌گیرد که جزنگر، آموزش و پرورش یافته‌اند؛ اما به لحاظ فردی از برخی توانایی‌های ذاتی برخوردار است یا با آزمایش و خطا به برخی تجارب دست می‌یابد.

سوم اینکه رشته‌های مدیریتی در آموزش عالی نیز بیشتر از آن که به توانمند ساختن افراد و بالا بردن قدرت تدبیر کمک کند، برخی الگوهای قدیمی، شکست‌خورده، ترجمه و تفسیر به رأی شده و نامأنوس و نامتناسب با ویژگی‌های جامعه بومی را در برنامه آموزشی قرار می‌دهد و حاصل آن افرادی است که فکر می‌کنند مدیریت را می‌دانند؛ اما در واقع نمی‌دانند و در عمل ناکارآمد و غیرموفق هستند، به همین دلیل توسط دیگران مورد انتقاد قرار می‌گیرند و اینجاست که چماق تجربه را بر سر علم می‌کوبند، در حالی که آنچه آنها به اسم علم خوانده‌اند، برخی تئوری‌های مخدوش و دست‌کم نامتناسب با شرایط بومی بوده است. چهارم آن که مدیریت بحران یا به عبارت دیگر مدیریت ریسک حوادث و بحران‌ها از دو بخش تشکیل شده است.

بخش عمومی تقریباً درباره همه مخاطرات و تهدیدات، کمابیش وجود دارد و در کتاب مختصری با عنوان مدل تعاملی مدیریت ریسک و مدیریت بحران آورده شده است. اجمالاً از سه مرحله کلی تعیین متولی، بررسی و ارزیابی و اولویت بندی مخاطرات و تهدیدات و در نهایت رسیدگی به ریسک‌ها و مخاطرات غیرقابل پذیرش، از طریق اقدامات پیشگیرانه، آمادگی برای پاسخ به حوادثی که ممکن است رخ دهد و پاسخ مؤثر به نیازهای ایجاد شده و بازیابی و برگشت به روال قبل از حادثه و بحران را شامل می‌شود. بخش اختصاصی مدیریت ریسک بحران‌ها، بسته به ویژگی‌های حوادث و بحران‌های مختلف متفاوت است. گستره ریسک‌ها و حوادث و بحران‌ها بسیار وسیع بوده و به لحاظ تنوع جغرافیایی کشور ما، تقریباً گسترده‌گی حوادث در ایران کامل است.

به عبارت دیگر گستره حوادث و بحران‌ها و ریسک‌های مرتبط با آنها به میزان گسترده‌گی تمامی موضوعات و ابعاد جامعه بوده و بر اساس

جدیدترین تقسیم بندی‌هایی که مطرح است و در انجمن علمی مدیریت بحران نیز دنبال می‌شود، به سه دسته اصلی قابل تقسیم هستند؛ نخست، حوادث و بحران‌های طبیعی مانند زمین‌لرزه، سیلاب، سرما، یخبندان و گرمای شدید، دوم، حوادث انسان‌ساخت یا تکنولوژیک مانند حوادث کارگاهی، ترافیکی، حمل و نقل، بحران‌های زیست‌محیطی، آتش‌سوزی‌ها و انفجارات، سوم، حوادث اجتماعی مانند ناآرامی‌های مدنی، آسیب‌های اجتماعی، تهاجم فرهنگی و رسانه‌ای و حوادث و بحران‌های روانی و شناختی.

بنابراین، این گستردگی تمام‌عیار را نمی‌توان در یک رشته تحصیلی متمرکز کرد و اندک رشته‌های موجود نیز هر کدام به موضوع خاصی گرایش دارند. طراحی رشته‌های علمی و دانشگاهی نیازمند نگاه کلان و دست باز است که باید با مشورت و حمایت سازمان یا وزارت متبوع دنبال شود. البته تا زمانی که نظام یا به قولی سازمان مدیریت ریسک حوادث و بحران‌ها در کشور سامان نیابد، تربیت نیرویی که جایگاه کاری برای آن تعریف نشده باشد، از سویی مورد استقبال قرار نمی‌گیرد یا در ردیف انتخاب‌های آخر قرار می‌گیرد و از طرف دیگر، دانش‌آموختگان آن رشته به رسمیت شناخته نشده و به کارگیری نمی‌شوند.

در مجموع، برای شکل‌گیری رشته‌های دانشگاهی، همکاری دو حوزه متولی در امر مدیریت بحران در کشور و متولی امر آموزش عالی لازم است؛ اما در هر دو حوزه، تلاش کافی برای تحقق این امر صورت نگرفته است.

جایگاه کارشناس مدیریت بحران تعریف نشده است

\* با توجه به بروز وقایع مختلفی مانند سیل، زلزله و البته کرونا، به نظر می‌رسد نیاز به دانش‌آموختگان ماهر در هر گرایش از رشته‌های مدیریت بحران، بیش از پیش احساس می‌شود؛ اما به نظر شما چرا به صورت جدی مورد توجه متولیان آموزش عالی قرار ندارد؟

همانطور که پیش‌تر اشاراتی صورت گرفت، اساساً نگاه جامع و علمی به حوادث و بحران‌ها هنوز در ارکان کشور شکل نگرفته است، اگرچه سیاست‌های کلی نظام در این باره ابلاغ شده؛ اما این سیاست‌ها در دولت و مجلس کمتر مورد توجه قرار گرفته است. آنچه در ارتباط با حوادث بحران‌ها در کشور دیده می‌شود، عوارض ناشی از بحران‌هاست که خود را به نمایش می‌گذارند؛ و گرنه به عنوان محور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در کشور مطرح نیست و بنابراین عجیب نیست مورد توجه آموزش عالی نیز نباشد. این در حالی است که مطابق برآوردهای کلی مورد توافق جهانی، مدیریت ریسک حوادث و بحران‌ها، محوری از سه محور اصلی است که تمام مقوله زندگی و جوامع را تشکیل می‌دهد، یعنی به لحاظ اهمیت و حجم، یک‌سوم تمامی موضوعات جامعه را تشکیل می‌دهد.

اگر به دقت نگاه کنیم، بیشتر وقت و تلاش صورت گرفته صرف جمع و جور کردن عوارض مختلف ناشی از حوادث و بحران‌های گوناگون می‌شود؛ اما فرصتی برای نگاه کلان و همه‌جانبه و برنامه‌ریزی برای تاب‌آور کردن کشور در سطح ملی اختصاص داده نمی‌شود. این موضوع در کتابی با عنوان تاب‌آوری بحران: الزامی ملی به تفصیل شرح داده شده است. در مجموع، اگر به اصل عرضه و تقاضا توجه کنیم؛ وقتی تقاضایی وجود ندارد، به‌طور طبیعی عرضه‌ای هم برای آن مفهوم پیدا نمی‌کند. اینکه تقاضا شکل نمی‌گیرد، به‌طور کلی دو علت دارد؛ اول اینکه جایگاه کارشناس مدیریت بحران تعریف نشده و دوم اینکه برای محدود جایگاه‌های موجود نیز هر فردی با هر پیشینه‌ای قابل انتصاب است؛ اما اگر تقاضایی برای دانش و مهارت مدیریت ریسک و بحران وجود داشته باشد، دو راه حل وجود دارد؛ راه حل کوتاه‌مدت و بلند مدت.

در راه حل کوتاه‌مدت، انجمن علمی مدیریت بحران ایران دوره‌های آموزشی طراحی کرده است و منابع علمی و استادان مرتبط را نیز در اختیار دارد. به‌طور اجمالی این دوره مشتمل بر ۵۰ ساعت آموزش است که نیمی از آن بخش عمومی مدیریت ریسک حوادث و بحران‌ها را

پوشش می‌دهد و نیمه دیگر بخش اختصاصی در هر یک از گرایش‌های سه‌گانه را در بر می‌گیرد. البته طول مدت این دوره بر اساس توافق می‌تواند افزایش یابد. انجمن آمادگی دارد جزئیات کامل این دوره‌ها را در اختیار رسانه‌ها قرار دهد.

در راه حل بلندمدت، همین الگوی کوتاه‌مدت می‌تواند به مقاطع دانشگاهی تبدیل شود و انجمن آمادگی دارد سرفصل‌های درسی مرتبط را با همکاری متولیان امر در آموزش عالی و همچنین مشارکت نماینده مجموعه اجرایی کشور تدوین کند.

حوادث و بحران‌ها به‌عنوان موضوعی دائمی و همیشگی در نظر گرفته نشده‌اند، در حالی که در مجموع یک‌سوم موضوعات هر جامعه را تشکیل می‌دهند. این کم‌توجهی سبب شده روز به روز بر تعداد حوادث و بحران‌ها افزوده می‌شود. از طرف دیگر اگر توسعه متوازن نباشد، بر تعداد و حجم حوادث می‌افزاید

\* چرا مدیران و مسئولان ما هیچوقت برای مواجهه با بحران آمادگی ندارند؟ به طور مثال، برای حل معضل آلودگی هوا، از مردم می‌خواهند دعا کنند که باران بیارد!

به‌طور کلی حوادث و بحران‌ها، نواقص مدیریتی را به رخ می‌کشند، یعنی نقطه ضعف در زمان بحران ضرورتاً ایجاد نمی‌شود؛ بلکه در زمان بحران، خود را نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، اگر مدیریت در زمان غیر بحرانی به‌درستی صورت گیرد، بسیاری از حوادث و بحران‌ها شکل نخواهند گرفت یا عوارض و پیامدهای بسیاری از حوادث دیگر کاهش می‌یابد و قابل تاب آوردن و تحمل کردن می‌شود؛ بنابراین مدیرانی که در مواجهه با حوادث آماده نیستند، مدیران توانمندی نیستند.

با بیانی دیگر، بسیاری از حوادث و بحران‌ها ناشی از مدیریت ضعیف و ناکارآمد است، آنجایی که ریسک‌ها و مخاطرات مورد توجه قرار نمی‌گیرند، برای آنها فکری و تدبیری نمی‌شود و در زمان مقتضی تبدیل به حادثه و بحران می‌شود. بالاخره وقتی مدیری به درستی کار خود را انجام ندهد، مردم باید هم تلاش و هم دعا کنند تا شاید نقص مدیران تا حدی جبران شود.

حوادث و بحران‌ها به‌عنوان موضوعی دائمی و همیشگی در نظر گرفته نشده‌اند

\* چگونه باید آموزش‌های لازم را برای حفظ آرامش در مقابله با بحران‌هایی مانند کرونا به مردم ارائه داد؟

پاسخ تفصیلی به این سؤال، خود کتابی می‌شود؛ اما اجمالاً می‌توان موارد زیر را ذکر کرد؛ ارتباط موثر و اعتماد بین مردم و حاکمیت ضرورت هر نوع انتقال پیام است؛ بنابراین صداقت عاقلانه با مردم و مدیریت صحیح افکار عمومی، احتیاج به زیرساخت مناسبی دارد که در طول زمان به‌دست می‌آید.

دوم اینکه آرامش مردم همیشه در گرو هوشیاری و بیداری مجموعه‌های حاکمیتی است، وقتی این آمادگی و بیداری و توجه در مجموعه‌های مدیریتی کشور وجود داشته باشد، مردم در آرامش خواهند بود. سوم اینکه در آموزش‌ها، خبررسانی‌ها و ارائه اطلاعات، طرف حساب مردم باید مشخص باشد، در غیر این صورت ممکن است هر فردی مرجع اطلاعات و اخبار مردم شود و تناقضات و اختلاف در ارقام و سو استفاده از خلأ خبری و اطلاعاتی، آرامش و اعتماد را از مردم سلب خواهد کرد.

چهارم اینکه آموزش‌های پایدار، مؤثر و آرامش‌بخش در صورتی میسر خواهد شد که ارائه‌دهندگان آنها از اطلاعات کافی برخوردار بوده و بر جوانب موضوع اشراف داشته باشند، در غیر این صورت اطلاعات ناقص، ناکافی، بدون توجیه علمی و عقلی، آرامش را در جامعه ایجاد نخواهد کرد. در مجموع، حفظ آرامش جامعه در مقابله با بحران‌ها و به‌دست آوردن همکاری مردم مانند سایر اقدامات به‌طور عمده در زمان غیر بحرانی و در رفتار طولانی‌مدت با مردم شکل می‌گیرد.

\* در پایان، به اعتقاد شما باید برای عبور از بحران فعلی چه کرد؟

حوادث و بحران‌ها به‌عنوان موضوعی دائمی و همیشگی در نظر گرفته نشده‌اند، در حالی که در مجموع یک‌سوم موضوعات هر جامعه را تشکیل می‌دهند. این کم‌توجهی سبب شده روز به روز بر تعداد حوادث و بحران‌ها افزوده می‌شود. از طرف دیگر اگر توسعه متوازن نباشد، بر تعداد و حجم حوادث می‌افزاید. به‌علاوه، روز به روز حساسیت جامعه نسبت به حوادث و بحران‌ها نیز افزایش می‌یابد، یعنی رخدادی که تا دیروز به‌راحتی نادیده گرفته می‌شد یا در نظر نمی‌آمد، امروز مورد توجه و نیازمند اقدامات مدیریتی خاص است؛ بنابراین حوادث با کم‌توجهی و نادیده انگاشته شدن و نبود مدیریت ریشه‌ای روی هم انباشته می‌شوند و هر روز کار را سخت‌تر خواهند کرد. توصیه مکرر انجمن این بوده و هست که گذشت زمان به نفع جامعه نیست و مدیریت ریسک و بحران باید به‌صورت الزامی ملی در دستور قرار گیرد.

آنچه در توان انجمن بوده، مدافعه‌گری و توجه دادن به این امر بوده است. البته در کنار این رسالت، منابع علمی نیز مرتباً تدوین و انتشار یافته و دوره‌های آموزشی عمومی و اختصاصی برای متقاضیان در بخش‌های کشوری و لشکری برگزار شده است.

در پایان، بر این نکته تأکید می‌کنم که ذکر نقاط ضعف به مفهوم انکار نقاط قوت نیست، ملت ما قله‌ها و گردنه‌های دشوار بسیاری را پشت سر گذاشته‌اند و با توکل واقعی بر خداوند متعال و تلاش مجاهدانه، نقاط ضعف را برطرف کرده‌اند. از این پس نیز استوار و محکم به پیش خواهیم رفت. البته در کنار بحران ویروس کرونا باید مراقب ویروس خطرناک‌تر تفرقه، بدبینی، ناامیدی و فرصت‌طلبی دشمنان قسم‌خورده این ملت بود و با رعایت اصول انسانی و الهی به یاری یکدیگر شتافت و این بحران را نیز پشت سر گذاشت.

انتهای پیام /